## کتابخانه

# معرفی آثار به‌نشر با موضوع «عفاف و حجاب»

به مناسبت بزرگداشت روز «عفاف و حجاب»، روز گذشته آثار به‌نشر (انتشارات آستان قدس رضوی) با محوریت «عفاف و حجاب و واقعه گوهرشاد» معرفی شد.

به گزارش قدس آنلاین، حسین سعیدی؛ مدیر عامل به‌نشر موضوع سبک زندگی اسلامی ایرانی را به عنوان یکی از موضوعات محوری در دوره جدید تدوین موضوعات این انتشارات معرفی و ابراز کرد: بر اساس رویکرد یاد شده «حجاب و عفاف و خانواده» یکی از ریزموضوعات در حوزه سبک زندگی اسلامی ایرانی به شمار می‌رود که در سال‌های اخیر مورد توجه جدی به‌نشر در سفارش محتوا به برخی از نویسندگان قرار گرفته و تاکنون آثار متعددی با این موضوع منتشر شده است.

وی به ۱۲ عنوان کتاب با محوریت «حجاب و عفاف» ویژه گروه سنی کودک و نوجوان به همت به‌نشر که در دو سال اخیر به چاپ رسیده اشاره کرد و افزود: مجموعه «قصه‌های خانه» اثر علی باباجانی از نویسندگان پرکار قرار گرفته در حوزه کودک است که با محوریت «حجاب و عفاف» با راویانی شیرین و تصویرگری جذاب در قالب ۱۰ جلد توسط این انتشارات به چاپ رسیده است.

مدیر عامل به‌نشر از کتاب‌های رمان با عنوان «ماه در آینه» و «دریا و آتش» به عنوان آثار دیگر این انتشارات با موضوع «حجاب» نام برد و گفت: کتاب «ماه در آینه» توسط امیرمهدی مراد حاصل، با برداشتی نوجوانانه از کتاب «فلسفه حجاب» شهید مرتضی مطهری در قالب داستانی تألیف و منتشر شده است.

سعیدی اضافه کرد: کتاب «دریا و آتش» نوشته ناصر نادری نیز رمانی جذاب برای دانش‌آموزان است در قالب مکاتبات دختری به نام مهناز با معلم پرورشی خود با محوریت سؤالات و ابهامات او درباره مسئله حجاب که به دلیل شغل پدرش در خارج از کشور زندگی می‌کند. وی به کتاب‌های «اوسنه گوهرشاد» و «مردمان قصه کنند» نوشته سعید تشکری با محوریت موضوع «واقعه مسجد گوهرشاد» اشاره کرد و افزود: این دو کتاب به همت به‌نشر چاپ و منتشر شده است.

مدیر عامل به‌نشر «اوسنه گوهرشاد» را به عنوان یکی از آثار پرمخاطب به‌نشر و اثر برگزیده نخستین جشنواره شهید اندرزگو بیان کرد و گفت: این اثر یک رمان فانتزی و خواندنی است که به ماجراهای وقایع مسجد گوهرشاد، مدرسه برپازد و شخصیت بانو گوهرشاد می‌پردازد. سعیدی ادامه داد: کتاب «مردمان قصه کنند» نیز براساس گردآوری خاطرات و روایت‌هایی از افراد حاضر در واقعه تاریخی مسجد گوهرشاد تدوین و توسط این انتشارات به چاپ رسیده است.

نکته‌ها

حسن رحیم پور ازغدی

**هدف رضاخان سلب و سرکوب هویت دینی در جامعه بود**

پروژه خلع لباس مردان و کشف حجاب زنان تا حدودی پیش رفت. در مورد زنان اول به زور و با چماق و شنه و بازداشت و درگیری و مردم بودند و گل مردم عرب به همین شکل لباس می‌پوشیدند. لباس مخصوص پیامبر و ائمه نداشتیم. نه پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) لباس مخصوص و یونیفرم داشتند و نه لباس روحانیت ما تا ۱۰۰ سال پیش لباس همه مردان بود. روحانیت یک لباس ویژه‌ای نداشته است. همه مردم عبا و قبا داشتند یا عرقچین و عمامه به رنگ‌های مختلف به سر شان می‌بستند... این‌ها را عرض می‌کنم برای اینکه بدانیم رضاخان پروژه خلع لباس روحانیت و کشف حجاب زنان را چرا به طور همزمان شروع کرد.

هدف سلب و سرکوب هویت دینی در جامعه بود که در تغییر لباس مردان به سبک لباس غربی و برهنه کردن به سبک زنان غربی و حذف روحانیت به حاشیه بردن علما در ایران به سبک کشیش‌ها در غرب بود. ادعای آن‌ها این بود که اگر می‌خواهیم کشور به لحاظ علمی و توسعه اقتصادی پیشرفت کند باید این کارها را کنیم. حالا در کراهی! آقا تو ملی‌گرا هستی چرا لباس ما را ممنوع کردی؟ درست است؟ پس کاملاً معلوم است رضاشاه از یک جایی دارد خط می‌گیرد که فرهنگ دینی و ملی باید حذف شود و فرهنگ غربی آن هم ظاهر فرهنگ غربی استمرار پیدا کند.

**کاله‌ای علمای ما می‌پوشند نه ۱۰۰ سال پیش لباس همه مردان بود**

**لباس مخصوص پیامبر و ائمه نداشتیم**

**چرا لباس روحانیت با بقیه مردم فرق داشته است**

**روحانیت یک لباس ویژه‌ای نداشته است**

**پیامبر و اهل بیت(ع) با عرقچین و عمامه به رنگ‌های مختلف به سر شان می‌بستند**

**لباس مخصوص ما**

**لباس ما عرض می‌کنم برای اینکه بدانیم رضاخان پروژه خلع لباس**

**روحانیت و کشف حجاب زنان را چرا به طور همزمان شروع کرد**

**هدف سلب و سرکوب هویت دینی در جامعه بود که در تغییر لباس**

**مردان به سبک لباس غربی و برهنه کردن به سبک زنان غربی و حذف**

**۹۰ درصد علما را خلع لباس کردند و بعد که دیدند مقاومت جدی**

**است یک عده اقلیتی از علما با اجازه خاص حکومت لباس پوشیدند.**

**آن زمان خیلی از علما از خانه بیرون نمی‌آمدند، چنان که خیلی از**

**بعضی موارد مثل خط و الفبا شکست خوردند و در بعضی از موارد مثل خلع لباس روحانیون موفقیت موقت بدست آوردند که تقریبا**

**بعضی‌ها می‌گویند نه، به ملیت ایرانی و ایران باستان خیلی توجه داشته؛ تاریخ در این خصوص چه می‌گوید؟**

رضاشاه فرهنگ دینی را به یک فرهنگ ملی دیگر داد که بگوید آقا ما ایرانی هستیم، ایرانیت داریم، دین جامعه چکار، اسلام می‌خواهیم چکار و از این حرف‌ها؛ یعنی اسلامی بودن به‌راه‌پای ملی بودن و ادعای ملی بودن و سپس ملی بودن و فرهنگ ملی را به پای فرهنگ غربی بگذارد. به همین دلیل فرهنگ دینی لباس اسلامی بپوشی، به زن ایرانی گفته شد نداری لباس بپوشی. یه بهانه اینکه می‌خواهیم لباس ملی بپوشی. کلاه پهلوی سرت کنی. کلاه ملی بود. بعد از مدتی کلاه ملی ممنوع شد اعم از کلاه سنتی ملی، کلاه مشهدی و... فرهنگ غربی در فروردین و اردیبهشت کشف کلاه و قوچانی و کلاه چی، همه ممنوع شد. هر کس سرش کرده بود کنتکش می‌زدند و پاره می‌کردند. لباس ایرانی ممنوع، لباس غربی الزامی و اجباری و شده است.

**دور جدید تدوین موضوعات این انتشارات معرفی و ابراز کرد: بر اساس رویکرد یاد شده «حجاب و عفاف و خانواده» یکی از ریزموضوعات در حوزه سبک زندگی اسلامی ایرانی به شمار می‌رود که در سال‌های اخیر مورد توجه جدی به‌نشر در سفارش محتوا به برخی از نویسندگان قرار گرفته و تاکنون آثار متعددی با این موضوع منتشر**

**مدیر عامل به‌نشر از کتاب‌های رمان با عنوان «ماه در آینه» و «دریا و آتش» به عنوان آثار دیگر این انتشارات با موضوع «حجاب» نام برد و گفت: کتاب «ماه در آینه» توسط امیرمهدی مراد حاصل، با برداشتی نوجوانانه از کتاب «فلسفه حجاب» شهید مرتضی**

**زنان مسلمان از خانه بیرون نمی‌آمدند. مادربزرگ ما می‌گفت چند سال از خانه بیرون نیامدیم مگر برای فعالیت‌های اضطراری به‌سه، چهار حافظ و روشه‌دادن به پاسیان سر محل بیرون می‌آمدیم. حتی بعضی از این‌ها مجبور می‌شدند در خانه آب گرم کرده و استحمام کنند. نمی‌توانستند به حمام بروند. تحمیل بی‌حجابی و برهنگی بر**

**منبع: سخنرانی در بزرگداشت قیام علیه کشف حجاب رضاخانی و قتل عام مردم مشهد در مسجد گوهرشاد**
**و سالگشت قیام زنان مشهد در ۱۷ دی ۱۳۵۶ ■ ۱۳۹۹/۱۰/۱۲**

عفاف، نفس را ایمن نگه می دارد و آن را از پستی ها دور و پاک می کند.



## دیدگاه

عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی مطرح کرد

# بازسازی اعتبار اجتماعی و منزلت قدسی حجاب در ذهنیت عمومی

پژوهشگر مسائل فرهنگی گفت: کاری که جریان رسانه‌ای و فکری جبهه دشمن در سال‌های گذشته انجام داد این بود که کوشید از حجاب، قداست‌شکنی کند و به عده‌ای اندک، جسارت عبور از آن را بدهد و جامعه را نسبت دربرابر آن بی‌حس کند و خنثی سازد. بنابراین، باید در جهت مخالف این روند سازماندهی شده حرکت کرد و اعتبار اجتماعی و منزلت قدسی حجاب را در سطح اجتماعی و ذهنیت عمومی بازسازی و ترمیم کرد.

**■ آیا با توجه به حدیث امام علی(ع) که فقر بی‌اعتنایی به دین را ملازم یکدیگر می‌داند، می‌توان بدحجابی را حاصل وضعیت بد اقتصادی مردم دانست؟**

بعضی تصور می‌کنند مشکل بدحجابی، ریشه در فقر و مشکلات معیشتی دارد و چنانچه در جامعه رفاه برقرار شود، بدحجابی نیز خود به‌خود برطرف خواهد شد؛ در حالی که هر چند از لحاظ منطقی، فرضیه اثرگذاری فقر بر بدحجابی ناصواب نیست و می‌توان چنین فرضی را برای اقتصاد در نظر گرفت، اما در جامعه کنونی ایرانی نباید برای فقر اینچنین نقش جدی و بزرگی را فرض کرد.

مشاهده عینی نشان می‌دهد توزیع بدحجابی در جامعه ایران، منطبق بر طبقه اقتصادی نیست و بدحجابی در میان طبقات پردرآمد و فقیر بیشتر نیست، بلکه چه‌بسا باید گفت طبقات فرادست بیشتر به بدحجابی از زاویه اقتصادی نگاه کرد و در هم‌پیوندی با اقتصاد، فرضیه‌سازی کرد. البته بدحجابی در میان طبقات فرودست و فقیر بیشتر نیست، بلکه چه‌بسا باید گفت طبقات فرادست بیشتر به بدحجابی بپردازند. پس نباید به این مسئله اجتماعی از زاویه اقتصادی نگاه کرد و در هم‌پیوندی با اقتصاد، فرضیه‌سازی کرد. البته بدحجابی در میان طبقات پردرآمد و فقیر بیشتر نیست، بلکه چه‌بسا باید گفت طبقات فرادست بیشتر به بدحجابی بپردازند. پس نباید به این مسئله اجتماعی از زاویه اقتصادی نگاه کرد و در هم‌پیوندی با اقتصاد، فرضیه‌سازی کرد. البته

**■ جناب وکیلی، در ابتدا از سابقه تاریخی کشف حجاب در ایران بگویید و سپس تمایز آنچه در دوره رضاخان با پیش از او در این خصوص اتفاق افتاد.**

کشف حجاب در ایران به صورت پراکنده از دوره قاجار شروع شده بود. نخستین زنی که کشف حجاب کرد قره‌العین بود. بابی‌ها به عنوان نخستین علَم استعمار در ایران، نخستین کشف حجاب را علناً مطرح می‌کردند. گام بعدی، فرامانسون‌ها بودند که رسماً طرفدار بی‌حجابی هستند. نکته اینجاست که نقطه آغاز کشف حجاب در ایران کاملاً استعماری است و طرفدارانِ آن نیز همه غربزده و خیلی هایشان نیز جاسوس آمریکا و اروپا و غرب هستند. در دوره رضاخان نیز نکته جالبی که وجود دارد این است تا پیش از داستان ۱۳۱۴، رضاخان مدام جامعه را تست می‌کند تا ببیند چقدر آمادگی کشف حجاب و منع حجاب را دارد. رضاشاه پنج شش بار در سال‌های ۱۳۰۷،۱۳۰۵، ۱۳۱۱،۱۳۱۳ و ۱۳۱۴ جامعه را در این زمینه تست می‌کند و میزان استقبال و رشد بی‌حجابی در ایران را می‌سنجد. مثلاً آمدن الله خان، پادشاه افغانستان با همسر بی‌حجابش با ماشین روباز از تهران رد می‌شود، همین که به سیزوار می‌رسند ملت به دست‌وظهارات می‌زنند و واکنش نشان می‌دهند.

**■ قبل‌اًهم فرموده بودید ما در دوران رضاخانی با مقوله «منع حجاب» در درجه اول روبه‌رو هستیم. اهمیت تأکید بر گزاره «منع حجاب» در کنار «کشف حجاب» برای چیست؟**

یک غلط مشهور رایجی هست که مکرر به کار گرفته می‌شود و آن هم اینکه در دوره رضاشاه کشف حجاب شد. کشف یعنی کنار زدن؛ بله در دوره پهلوی کشف حجاب شد ولی تحمیل شد در دوره رضاشاه دارید و مثلاً در ۱۷ دی ۱۳۱۴ به طور رسمی دنبال شد، کشف حجاب نیست، بلکه منع حجاب است. کشف حجاب از قبلش شروع شده بود، ما اینجا با منع حجاب روبه‌رو هستیم. به تعبیری از ۱۳۱۴ تا ۱۳۲۰ که رضاشاه سقوط می‌کند در کشور اینِ منع حجاب دارایم، حجاب جرم است و به‌شدت با آن برخورد می‌شود. یکی دو سال پس از سقوط رضاشاه نیز این قانون به صورت کج‌دار و مریز پیاده می‌شود ولی چون مقاومت اجتماعی در برابرش بسیار زیاد است، پهلوی دوم حجاب را برمی‌دارد ولی تا سال ۵۷ کشف حجاب را ادامه می‌دهد.

**■ روایت نزدیکان رضاشاه از این ماجرا چطور است؟ منظورم برداشتشان از رویکرد رضاخان در پیاده کردن فرهنگ غربی در کشور است.**

مخبرالسلطنه ۶ سال نخست‌وزیر رضا شاه بوده است؛ خود او می‌گوید رضاشاه تقلید بی‌حکمت می‌کرد از غرب. در دوره رضاشاه شاهد تقلیدهای بی‌حکمت از مدرنیته سطحی شده و مبتذل هستیم. رضاشاه که نرفته اروپا، تیمورتاش و بقیه به او می‌گویند یک استاد دانشگاه همواره سعی کرده از یک واقعه مهم تاریخی که به مدت ۸۰ سال هم جور سانسور و مسکوت گذاشته شده بود، حرف بزند و غبار فراموشی از آن بزداید. به بهانه فراسیدن ۲۱ تیرماه، سالروز قیام مردمی گوهرشاد علیه کشف حجاب رضاخانی که به روز «عفاف و حجاب» نام‌گذاری شده پای صحبت‌های ایشان نشستیم تا درباره یکی از تلخ‌ترین وقایع تاریخ ایران زمین بیشتر بشنویم.

**محسن فاطمی نژاد**

دکتر هادی وکیلی را می‌توان از مطلع‌ترین تاریخ‌پژوهان در خصوص ابعاد قیام گوهرشاد دانست. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد که رساله دکترای خود را نیز سال ۷۹ با همین موضوع دفاع کرد و به عنوان دبیر علمی اولین همایش ملی قیام گوهرشاد و در قامت یک استاد دانشگاه همواره سعی کرده از یک واقعه مهم تاریخی که به مدت ۸۰ سال هم جور سانسور و مسکوت گذاشته شده بود، حرف بزند و غبار فراموشی از آن بزداید. به بهانه فرارسیدن ۲۱ تیرماه، سالروز قیام مردمی گوهرشاد علیه کشف حجاب رضاخانی که به روز «عفاف و حجاب» نام‌گذاری شده پای صحبت‌های ایشان نشستیم تا درباره یکی از تلخ‌ترین وقایع تاریخ ایران زمین بیشتر بشنویم.

**■ جناب وکیلی، در ابتدا از سابقه تاریخی کشف حجاب در ایران بگویید و سپس تمایز آنچه در دوره رضاخان با پیش از او در این خصوص اتفاق افتاد.**

کشف حجاب در ایران به صورت پراکنده از دوره قاجار شروع شده بود. نخستین زنی که کشف حجاب کرد قره‌العین بود. بابی‌ها به عنوان نخستین علَم استعمار در ایران، نخستین کشف حجاب را علناً مطرح می‌کردند. گام بعدی، فرامانسون‌ها بودند که رسماً طرفدار بی‌حجابی هستند. نکته اینجاست که نقطه آغاز کشف حجاب در ایران کاملاً استعماری است و طرفدارانِ آن نیز همه غربزده و خیلی هایشان نیز جاسوس آمریکا و اروپا و غرب هستند. در دوره رضاشاه نیز نکته جالبی که وجود دارد این است تا پیش از داستان ۱۳۱۴، رضاشاه مدام جامعه را تست می‌کند تا ببیند چقدر آمادگی کشف حجاب و منع حجاب را دارد. رضاشاه پنج شش بار در سال‌های ۱۳۰۷،۱۳۰۵، ۱۳۱۱،۱۳۱۳ و ۱۳۱۴ جامعه را در این زمینه تست می‌کند و میزان استقبال و رشد بی‌حجابی در ایران را می‌سنجد. مثلاً آمدن الله خان، پادشاه افغانستان با همسر بی‌حجابش با ماشین روباز از تهران رد می‌شود، همین که به سیزوار می‌رسند ملت به دست‌وظهارات می‌زنند و واکنش نشان می‌دهند.

**■ قبل‌اًهم فرموده بودید ما در دوران رضاخانی با مقوله «منع حجاب» در درجه اول روبه‌رو هستیم. اهمیت تأکید بر گزاره «منع حجاب» در کنار «کشف حجاب» برای چیست؟**

یک غلط مشهور رایجی هست که مکرر به کار گرفته می‌شود و آن هم اینکه در دوره رضاشاه کشف حجاب شد. کشف یعنی کنار زدن؛ بله در دوره پهلوی کشف حجاب شد ولی تحمیل شد در دوره رضاشاه دارید و مثلاً در ۱۷ دی ۱۳۱۴ به طور رسمی دنبال شد، کشف حجاب نیست، بلکه منع حجاب است. کشف حجاب از قبلش شروع شده بود، ما اینجا با منع حجاب روبه‌رو هستیم. به تعبیری از ۱۳۱۴ تا ۱۳۲۰ که رضاشاه سقوط می‌کند در کشور اینِ منع حجاب دارایم، حجاب جرم است و به‌شدت با آن برخورد می‌شود. یکی دو سال پس از سقوط رضاشاه نیز این قانون به صورت کج‌دار و مریز پیاده می‌شود ولی چون مقاومت اجتماعی در برابرش بسیار زیاد است، پهلوی دوم حجاب را برمی‌دارد ولی تا سال ۵۷ کشف حجاب را ادامه می‌دهد.

**■ جناب وکیلی، در ابتدا از سابقه تاریخی کشف حجاب در ایران بگویید و سپس تمایز آنچه در دوره رضاخان با پیش از او در این خصوص اتفاق افتاد.**

کشف حجاب در ایران به صورت پراکنده از دوره قاجار شروع شده بود. نخستین زنی که کشف حجاب کرد قره‌العین بود. بابی‌ها به عنوان نخستین علَم استعمار در ایران، نخستین کشف حجاب را علناً مطرح می‌کردند. گام بعدی، فرامانسون‌ها بودند که رسماً طرفدار بی‌حجابی هستند. نکته اینجاست که نقطه آغاز کشف حجاب در ایران کاملاً استعماری است و طرفدارانِ آن نیز همه غربزده و خیلی هایشان نیز جاسوس آمریکا و اروپا و غرب هستند. در دوره رضاشاه نیز نکته جالبی که وجود دارد این است تا پیش از داستان ۱۳۱۴، رضاشاه مدام جامعه را تست می‌کند تا ببیند چقدر آمادگی کشف حجاب و منع حجاب را دارد. رضاشاه پنج شش بار در سال‌های ۱۳۰۷،۱۳۰۵، ۱۳۱۱،۱۳۱۳ و ۱۳۱۴ جامعه را در این زمینه تست می‌کند و میزان استقبال و رشد بی‌حجابی در ایران را می‌سنجد. مثلاً آمدن الله خان، پادشاه افغانستان با همسر بی‌حجابش با ماشین روباز از تهران رد می‌شود، همین که به سیزوار می‌رسند ملت به دست‌وظهارات می‌زنند و واکنش نشان می‌دهند.

**■ در کشور ما در چند سال گذشته حجاب ماهیتی سیاسی پیدا کرده است. آیا در چنین فضایی پرداختن به حجاب از بعد یک امر فرهنگی، شدنی است؟**

مهم‌ترین عالم شیعه امروز، یعنی آیت‌الله العظمی فومنی بود. ایشان همراه با ۱۵-۱۰ تن از علمای دیگر جلسه می‌گذارند، عبارت آقای قمی خیلی قشنگ است، می‌گوید رضاشاه دارد در داستان کشف حجاب «تنصّر» می‌کند؛ تنصر یعنی نصرانی شدن، یعنی خودرا به کافران شبیه کردن. خب می‌دانید که تشابه به کفار در اسلام حرام است، ما نباید لباس کفار بپوشیم، نباید شبیه کفار حرف بزنیم، نباید شبیه کفار مثلاً زندگی کنیم من تشبّه بقومه فهو منهم؛ نهی شده در دین ما. می‌گوید این رضاشاه می‌خواهد ما را کلاً از لباس، اخلاق، مسائل دینی و اخلاقیمان تخلیه نموده و غریمان کند، بنابراین باید یک فکری کنیم. علما جمع می‌شوند جلساتی می‌گذارند و آقای قمی می‌گوید من پیشنهادم این است -حالا ایشان مرجع تقلید بود دیگر، در حد خیلی بالایی مطرح بود- خودم پا می‌شوم می‌روم تهران با خود رضاشاه بحث می‌کنم. می‌گویم آقاجان دست بردار، نقل است که به ایشان گفته بودند می‌گویند قبول نکرد تندتر می‌گویم، قبول نکرد تندتر می‌گویم، قبول نکرد تندتر می‌گویم آخرش قبول نکرد خلاصه یا قاطعیت می‌گویم من در این راه می‌آیم اصلاً به جهاد ولو کشته شوم.

هر چه هست آقای قمی برای اینکه این درخواست علمای ایران و از جمله مشهد را منتقل کند می‌رود تهران. اردیبهشت و خرداد در مشهد جلسات زیادی برگزار می‌شود، در خرداد و اوایل تیر این جلسات به حرم منتقل شده و در تیر ماه ۱۳۱۴ هم شب در مسجد گوهرشاد تقریباً از بعد از نماز مغرب و عشا تا سحر علما، روحانیون و شخصیت‌های مختلف سخنرانی می‌کنند. جامعه به‌شدت نگران است که رضاشاه علناً پرچم مبارزه با دین بدست گرفته، جامعه هم متدین و نگران این مسئله، رضاشاه چکار می‌کند؟ رضاشاه در تهران آیت‌الله قمی را راه نمی‌دهد. در شهر ری آقای قمی را تحت نظر گرفتند، حبس خانگی کردند و حتی اجازه ندادند کسی با ایشان دیدار کند. خبر به مشهد می‌رسد؛ اوضاع مشهد ملتهب و بحرانی می‌شود. التهاب آن قدر شدید می‌شود که مردم دیگر تجمع می‌کنند، شعار می‌دهند؛ خواستار آزادی آیت‌الله قمی هستند. در حدود دو ماه تا بیستم تیر، علما بیانیه صادر می‌کنند؛ آیت‌الله حائری مرجع تقلید فقیه شاه نامه می‌نویسد و درخواست می‌کند دست از این کارها بردارد و به شاه پیام می‌دهند به خواسته‌های آقای قمی توجه کند و ایشان را تحت فشار نگذارد. مردم هم در مشهد، در حدود دو ماه تجمع می‌کنند، شعار می‌دهند؛ خواسته‌های مردم همین می‌شود، قمی؛ دو، ایشان حکومت دست از این سیاست‌ها بردارد. مردم به جنگ دارند نه دعوا، نه حتی رفتارها برانداز؛ نه. مطالبه‌هایی دارند اما مطالبات، مطالبات معمول از وضع موجود است. آقا می‌خواهیم کاله خودمان را سرمان کنیم، می‌خواهیم لباس خودمان و حجاب خودمان را حفظ کنیم.

**■ خود ماجرای کشتار گوهرشاد چطور اتفاق می‌افتد؟**

در این شرایط، رضاشاه به ایرج مطبوعی فرمانده لشکر، پاکروان استاندار و معاون‌الملک حاضر می‌فرستد نایب‌التولیه آستان قدس می‌گوید با هم جلسه می‌گذارید، متحد می‌شوید، مردم را به بیرون می‌کنید یا در داخل سرکوب می‌کنید؛ بالاخره به سرعت در ۲۴ ساعت بیانیه غائله مشهد به قول رضاشاه بخوابد. خب درست برعکس، خبر به اطراف می‌رسد. از روستاها و بلاد اطراف می‌آیند مسجد گوهرشاد؛ چند هزار جمعیت می‌شود. حکومت اینجا می‌تواند دو تا کار کند، یک اینکه نیروهای ارتش بریزند داخل مسجد و حرم و مردم را پراکنده کنند. گزینه دوم بریزد داخل مسجد، اما درها را ببندد و کشتار کند. گزینه دوم را انتخاب می‌کند؛ تیرباران می‌گذارند بالای دورتادور مسجد، تمام درها را می‌بندند که مردم نتوانند بروند بیرون و از ساعت ۱۲ شب کشتار را شروع می‌کنند. حداقل ۵-۶ هزار نفر هستند، تخصن دارند، عده زیادی از این‌ها کشته می‌شوند. عده‌ای می‌روند به سمت درها، درها را به سختی باز می‌کنند؛ درگیری‌هایی رخ می‌دهد، این‌ها فرار می‌کنند و می‌گریزند بیرون به کوچه‌های اطراف شهر و طرف محله نوغان و آن طرف‌ها را از سمت محمدآباد مشهد و جاهای مختلف درمی‌روند. عده زیادی هم -بیش از هزار نفر- به رگبار بسته شده و کشته می‌شوند. این قتل عام عمومی به چه چیزی انجام می‌شود؟ به جرم اینکه این‌ها می‌گویند ما می‌خواهیم لباس خودمان را تنمان کنیم. دقت می‌کنید؟ حالا توجه داشته باشید یک، مردمی که کشته شدند مردم مسلمان متدین همین ایران هستند که اتفاقاً بخشی از مطالبه‌شان ملی و بخشی اش دینی است. دو، محل کشتار مقدس‌ترین مکان ایران است، حرم و مسجد، حرم امام رضا و مسجد. سوم، رضاشاه دارد در مسجدی کشتار می‌کند که یک زن ساخته و به نام آزادی زن در مسجدی که چندصد سال پیش زنی به نام گوهرشادخاتون به آن زیبایی ساخته که مظهر و نماد تمدن زیبای ایرانی اسلامی است، زن ایرانی را به رگبار می‌بندد و می‌کشد به جرم اینکه زن ایرانی نمی‌خواهد ظاهرش شبیه زن فاسد غربی باشد. آیا این رضاشاه قابل تقدیر است؟ آیا این رضاشاه ایرانی است؟ آیا این رضاشاه دینی است؟

**■ جریان مقاومت در برابر پروژه استعماری منع حجاب به کجا ختم شد؟**

جامعه ایرانی اعم از مرد و زنش مقاومت کرد، به‌شدت هم مقاومت کرد. آن قدر مقاومت کرد که وقتی سال ۱۳۲۰ رضاشاه رفت در کل این تعداد زنان بی‌حجاب کمتر از ۳ هزار نفر شد. بیتر آروین، نویسنده انگلیسی در کتاب تاریخ معاصر ایرانش می‌گوید: بافرتن رضاشاه همه زن‌ها باز چادر سرشان کردند و اصلاً این پروژه شکست خورد. حتی جالب است بدانید پس از رفتن رضاشاه، زنان به مجلس نامه نوشتند تحت فشار ملت تسلیم شد و لغوش کرد، حتی زنان فشار آوردند که ما آمریکا به آن تأکید کرد ما است و مدارک منتشر شده تعداد کشتار مسجد گوهرشاد متفاوت ذکر شده‌اند ولی آنچه مسلم است طبق نوشته‌های موجود مجروحان قیام را به دو بیمارستان منتقل کرده‌اند؛ مجروحان نظامی به بیمارستان ارتش و مجروحان معمولی به بیمارستان امام‌رضا(ع) که دکتر محمد معین، دکتر علیرضا ضیائی و دکتر سید لواقلاسم فقه آن‌ها را مداوا کرده‌اند.

سرهنگ بیات تعداد دستگیرشدگان قیام را ۹۰۰ نفر ذکر نموده است. یکی از نظامیان درباره این حادثه چنین نقل کرده: «به ما دستور دادند... وقتی هوا روشن شد نیایستی در مسجد و صحنین آتاری از مجروحان و مقتولان باقی بماند لذا پاسبان‌ها و مأموران مریضخانه شاهرضا دوربین رسیدگی و توجه به اینکه آیا این مجروحان مرده یا فقط غش نموده همه را به کامیون ریخته و به قبرستان بردند».

براساس گزارش، تنفر بردبار، رئیس زندان مشهد شکنجه‌های فراوانی به افرادی که در این زندان بودند اعمال کرده، همچنین سرهنگ نوائی، آمر آن‌ها آقازاده از در زندان مورد شکنجه قرار داده است؛ از جمله اینکه شب‌های زمستان آب‌وابدون هیچ لباس گرم و روانداز و وسیله گرمی محبوس می‌کردند یا حبس‌ها را آب ریخته تا مرطوب شود و ایشان نتوانند استراحت کنند.

درباره تلفات، گفته‌های ناظران و کسانی که دست‌اندرکار ماجرا بوده‌اند مختلف است و اعداد با یکدیگر یکسان نیستند. تعداد هزار و ۶۷۰ کشته هم در خاطرات شوشتری، بازرس آستان قدس رضوی و خفیه‌نویس رضا آمده است. به دلیل اینکه این خاطرات ۱۲ سال پس از واقعه منتشر شده و خود شوشتری از زبان دیگران نقل می‌کند، چندان قابل اعتماد نیست. همچنین احمد بهار، از روزنامه‌نگاران آن عصر هزار و ۱۵۰ نفر و علیرضا ایگان در خاطراتش این تعداد را هزار و ۶۷ نفر تأیید می‌کند.

به هر حال هم منابع داخلی و هم گزارش‌های کنسولگری‌های خارجی حکایت از فاجعه‌ای هولناک در مشهد دارند که‌دانه‌ای که دور از ذهن نبوده است ولی سانسور شدید موجب شده ابهاماتی در این زمینه به‌خصوص محل دفن کشته‌شدگان در اذهان پژوهشگران باقی بماند.

نیم نگاه

اسناد وزارت خارجه آمریکا درباره واقعه ۲۱ تیر چه می‌گویند؟

# کشتار مسجد گوهرشاد به روایت یک آمریکایی

ویلیام اچ. هورنی‌بروک (William H. Hornibrook) جانشین چارلز سی. هارت (Charles C. Hart) از سال ۱۹۳۳م (۱۳۱۲ش) تا ۱۹۴۰م (۱۳۱۹ش) به مدت هفت سال از سوی وزارت خارجه آمریکا به سمت وزیر مختار در ایران منصوب شد و در تهران اقامت داشت. وی در ۱۶ اسفند ۱۳۱۲ وارد تهران شد و ۱۹ اسفند با وزیر خارجه ایران و روز ۲۸ اسفند با «رضاخان» دیدار کرد و استوارنامه خود را تحویل داد. کتاب رضاشاه و بریتانیا براساس اسناد وزارت خارجه آمریکا توسط ترک محمدعلی مجد، استاد دانشگاه پنسیلوانیا تألیف شده است. بخش چهارم این کتاب به کشتار قیام مسجد گوهرشاد اختصاص دارد. گزارش‌های ثبت شده توسط هورنی بروک سفیر آمریکا در تهران مهم و قابل تأمل هستند که مطالعه و تحلیل آن‌ها فضای سیاسی و سانسور شدید در عصر رضا شاه را نمایان می‌سازد. غلامرضا آذری خاکستر، تاریخ‌پژوه در تارنمای تاریخ شفاهی ایران به تفصیل و با ذکر اسناد در مقاله‌ای با عنوان «کشتار مسجد گوهرشاد به روایت هورنی بروک» این ماجرا را این‌گونه روایت می‌کند:

«... به سرعت ۵۰۰ نظامی کارد را از شهر مجاور به مشهد آوردند و همین نیرو بود که بعداً به روی جمعیت حاضر در حرم آتش گشود و بالاخره آن‌ها را متفرق ساخت. مجموعاً بیش از ۱۲ هزار نیروی نظامی در این درگیری شرکت داشتند. ابتدا با تفنگ و تیربار به سوی مسجد آتش گشودند که صدمه جدی ولی قابل جبرانی به مسجد وارد کرد. ابتدا به بالای سر جمعیت شلیک می‌شد ولی به‌تدریج لوله‌ها پایین‌تر آمد و تلفات هولناکی به جای گذاشت. طبق برآورد مبلغان مقیم محل، بین ۴۰۰ تا ۵۰۰ کشته یا مجروح و دست کم بین ۵۰۰ تا ۶۰۰ نفر هم دستگیر شدند».

سومین روایت هورنی‌بروک مربوط به تحلیل انگلیسی‌ها از این کشتار است. وی با نقد دیدگاه انگلیسی‌ها درباره کشتار مسجد گوهرشاد نوشته است انگلیسی‌ها در ابتدا سعی داشتند این تراژدی را کوچک جلوه دهند. درست همان گونه که مرگ سردار اسعد و دیگران در زندان رضا به علل طبیعی نسبت داده بودند. حالا هم سعی داشتند تعداد تلفات را بسیار کم جلوه دهند. در ابتدا تعداد ۲۵ کشته و ۶۰ نفر مجروح بیان می‌کردند. سپس تجدید نظر کردند و تعداد کشته‌های قیام مسجد گوهرشاد را بین ۴۰۰ تا ۵۰۰ نفر تخمین زدند.

«مقامات نظامی ۱۲۸ کشته را در گودال‌هایی دفن کرده‌اند. شمار مجروحان هم از ۲۰۰ تا ۳۰۰ نفر کمتر نیست. هم اینک ۵۰۴ نفر در سرزمینی محبوس هستند که از این تعداد ۲۰۰ نفرشان مجروحانند. در زندان‌های غیرنظامی نیز ۳۱۱ نفر محبوس‌اند که از این تعداد ۳۰ نفر بسیار مریض هستند. هر روز محبوسان سربازخانه‌ها را در گروه‌های ۳۰ نفره به فلک می‌بندند. دوافسر و ۱۸ سرباز هم کشته و ۱۴ نفر دیگر مجروح شده‌اند. ۱۳ زائر اهل همدان جان باخته‌اند. تعداد بازداشت‌شدگان از مرز ۸۰۰ نفر می‌گذرد...».

با بررسی این سه روایت تا حدودی به تعداد کشته‌شدگان قیام مسجد گوهرشاد پی می‌برد. در واقع عدد ۴۰۰ تا ۵۰۰ کشته موضوعی است که سفیر آمریکا به آن تأکید کرد و این است و مدارک منتشر شده تعداد کشتار مسجد گوهرشاد متفاوت ذکر شده‌اند ولی آنچه مسلم است طبق نوشته‌های موجود مجروحان قیام را به دو بیمارستان منتقل کرده‌اند؛ مجروحان نظامی به بیمارستان ارتش و مجروحان معمولی به بیمارستان امام‌رضا(ع) که دکتر محمد معین، دکتر علیرضا ضیائی و دکتر سید لواقلاسم فقه آن‌ها را مداوا کرده‌اند.

شکست پروژه رضاخان

نویسنده انگلیسی در کتاب تاریخ معاصر ایران